



۸۱۷ کتابفروشی به «پاییزه کتاب» رسیدند

مهلت ثبت‌نام طرح «پاییزه کتاب ۹۹» با مشارکت ۸۱۷ کتابفروشی از ۳۱ استان کشور به پایان رسید. این میزان در مقایسه با طرح «تابستانه کتاب ۹۹» افزایش ۶درصدی مشارکت کتابفروشی‌ها را به همراه داشت. در پانزدهمین دوره طرح‌های یارانه حمایتی از کتابفروشان، از تعداد کل کتابفروشی‌های عضو طرح ۶۲۹ کتابفروشی در مراکز استان و ۱۸۸ کتابفروشی در سایر شهرهای استان‌ها برای حضور در طرح «پاییزه کتاب ۹۹» ثبت‌نام کرده‌اند. /ایسنا



عبدالعلی صادقی درگذشت

عبدالعلی صادقی، شاعر و نویسنده در ۸۱سالگی بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. محمد مالکی، شاعر اهل خمینی‌شهر با اعلام این خبر گفت: استاد مشکلی نداشتند، سالم و سرحال بودند. ایشان اخیرا دچار بیماری زونا شدند، به همین علت بدن‌شان ضعیف شد. پس از آن به دلیل ورود مهمان به خانه‌شان، به کرونا مبتلا شدند و به رحمت خدا رفتند. استاد هفدهم آبان فوت کردند و هجدهم آبان در خمینی‌شهر به خاک سپرده شدند. /ایسنا



در جوار حرم حضرت معصومین بهترین اتصال‌ها به عالم بالا را تجربه کند از این جهت در شهر قم بودن و در جوار حضرت معصومه (س) نفس کشیدن برای شاعر فرصت خجسته‌ای است.

❖ بسیاری از شاعران اهل قم حتی بیشتر از حضرت‌رضا(ع) در وصف حضرت معصومه(س) شعر گفته‌اند. به نظر شما این انس و الفتی که بین شاعران اهل قم با حضرت معصومه(س) شکل گرفته، ریشه در چه دارد؟

بسیاری از این شعرا متولد قم هستند. از کودکی دست در دست پدر و مادرشان به حرم حضرت معصومه (س) پا گذاشته‌اند. آن حال و هوا و نشاط معنوی را از کودکی به شاکلی ویژه لمس کرده‌اند و خاطرات فراوانی از حرم دارند. خاطراتی از مراسم مختلف در حرم، عزاداری‌ها، جشن‌ها و شادی‌های در حرم، بازی‌های کودکانه در صحن‌های حرم و... از این جهت برای آنها حرم به نوعی خانه‌اول است و احساس راحتی و نشاط در آن دارند. از طرفی شاعری که در قم زندگی می‌کند می‌خواهد به حضرت معصومه (س) و الطافى که به واسطه حضرت نصیبتش شده، ادای دینی کرده باشد. این احساس تکلیف سبب شده که اغلب شاعران قم دو یا سه یا حتی تعداد بیشتری شعر برای این بانو در کارنامه شعرشان باشد. عرق و جاذبه و وطن نیز سبب شده که حتما خود را مکلف بدانند برای حضرت شعری بسرایند.

❖ به طور مشخص برای یک هنرمند در زندگانی حضرت معصومه(س) چه بزرگناه‌ها و دقائق قابل تاملی نهفته‌است؟

ما در فضای شعر امروز شعری داریم به نام «شعر حرمی»! این‌گونه شعرها بیشتر به ساحت خود حرم اهل بیت(ع) و زیبایی‌های آن می‌پردازد. در چنین شعرهایی کاشیکاری‌های حرم، صحن‌ها،

❖ شما سالیانی است که در جوار حضرت معصومه (س) ساکن هستید. مجاورت این حضرت چه برکات معنوی برای طبع یک شاعر می‌تواند داشته‌باشد؟

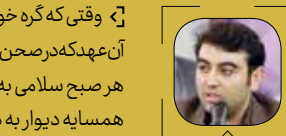
عنصر شعر به واقع محصول لطافت روح است و شاعر در لطیف‌ترین لحظات زندگی‌اش سراغ شعر می‌رود. قطعاً بارگاه کریمه‌اهل بیت (س) و همجواری با ایشان می‌تواند لحظات خوبی را برای شاعر رقم بزند و وی را در فضایی معنوی قرار دهد. معمولا حرم معصومین(ع) و فرزندان‌شان، پناه مردم ما در طول تاریخ بوده‌اند و وقتی مردم وارد حرم می‌شوند سعی می‌کنند آداب آن را رعایت کنند و معنویت خاصی روح‌شان را فرامی‌گیرد. همه اینها در شاعری که در جوار حضرت همسایه است، می‌تواند آثار مبارکی داشته باشد و اتصال زمین و آسمان را برایش رقم بزند. شاعر این را می‌داند که کلمات و الفاظ ابزارهایی برای بیان معانی‌اند و معانی نیز غالبا متعلق به عالم بالا هستند و از آسمان می‌آیند. به همین علت شاعر به دنبال این معانی است تا آنان را در قالب کلمات بیاورد. از این منظر شاعر می‌تواند

ارتباط ایرانی‌ها با حضرت معصومه(س)

قطع نخواهد شد

❖ قطعا زندگی در کنار حضرت معصومه(س) برای من از چند منظر حائز اهمیت بوده و برکات بسیاری داشته است. من تقریبا ۳۰ سال مجاور حضرت در قم بوده‌ام. جدا شدن از حضرت معصومه(س) برای من محال است و اعتقاد دارم کسی که آب قم را خورده باشد و نمک‌گیر مزه‌شور این آب شده باشد، محال است که بتواند از این آستان دل بکند و جدا شود. به‌رغم این‌که طبیعی است در هر شهری مشکلاتی و جود دارد اما فراتر از اینها وقتی هر صبح انسان به حرم حضرت و گنبد و بارگاه او نگاهی می‌اندازد و صبحش را با سلام به حضرت آغاز می‌کند، تمام مشکلاتش تحت الشعاع این حال خوب معنوی قرار خواهد گرفت و این از پرکاتی است که من و تمام مجاورین حضرت معصومه(س) در قم در این سال‌ها از آن بهره‌مند بوده‌ایم. من در این زندیک به چهار دهه از زندگی‌ام، عالمان و بزرگان بسیاری را دیده‌ام که هر روز پیش از آغاز هر کاری، با توسل به این بانو مرادوات معنوی بسیار والایی داشتند. به نظر من لقب کریمه اهل بیت(س) که به این حضرت نسبت داده شده لقب بسیار مهمی است و زندگی در جوار کریم و کریمه قطعاً سرمنشأ خیرات و برکات بسیاری برای مجاورین است و هم از حیث دنیوی و هم از حیث معنوی برکات بسیاری دارد. از حیث فنی نیز شهر قم شهر علما و مراجع است و خود من در حیطه مذاحی این توفیق را داشتم هر مطلبی که پیدا می‌کردم آن را با علما و اساتید در جریان می‌گذاشتم تا سندیت علمی و تاریخی آن را بسنجم و این مجاورت با علما، خیرات بسیاری برایم داشته است. رشد در قم از این حیث سبب شد عیار فنی من رشد داشته باشد. من همیشه می‌گویم هرکسی هرچاهم که برود بالا خره روزی به قم پناه خواهد آورد و قطعاً جدایی از قم امکان ناپذیر است. اگر بخواهیم در امان باشیم باید در آشیانه اهل بیت(ع) زندگی کنیم.

این رابطه‌ای که بین کل ایرانیان و حضرت معصومه(س) شکل گرفته، قدمتی دیرینه دارد و کشور ما کشور فرزندان موسی‌ابن جعفر(ع) است. هیچ کشوری در دنیا این قدر پذیرای فرزندان اهل بیت(ع) نبوده و امان‌زاده‌ها و حرم‌ها نشان می‌دهد که ما چقدر نسبت به حضرات معصومین(ع) اعتقاد راسخ داریم. این‌که امروز سلفی‌ها و وهابیت ما را محکوم می‌کنند به همین جهت است که ما اعتقاد قلبی داریم که این زیارتگاه‌ها و مشاهد مشرفه همه دستگیر و برآوردکننده حاجات هستند و اعتبار و اعتقاد ما این است که به این خاندان اتصال داریم. ایرانی‌ها همان علقه و عاطفه‌ای که به حضرت رضا(ع) دارند، از همان جنس به حضرت معصومه (س) نیز ارادت ویژه دارند همان‌طور که این رابطه خاص بین این خواهر و برادر نیز شکل گرفته است. مردم بارها در مناسبت‌های مختلف نشان داده‌اند که دومین حرم اهل بیت(ع) برای ایرانیان، حرم حضرت معصومه(س) است. در طول تاریخ نیز همین‌گونه بوده است و زمانی که ورود حضرت معصومه(س) به قم را در تاریخ ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که در لحظه ورود حضرت، تمام مردم شهر از شهر خارج می‌شوند و به استقبال حضرت می‌روند. سادات اشعریون همگی دور محمل بی‌بی رومی‌گیرند و با سلام و صلوات و دسته‌های گل و یا احترام حضرت را وارد شهر می‌کنند، علی‌رغم این‌که حضرت بیمار بودند، در بهترین محله شهر به ایشان منزل می‌دهند و نزدیک به ۱۷روز ایشان در قم حضور داشتند. با این حساب در تاریخ قم مردم به جز احترام چیزی نثار حضرت نکرده‌اند و حتی من در جایی خوانده‌ام محله‌ای را که حضرت در آن ساکن بودند برای مدتی قرق کرده بودند که کسی از نامحرمان در آن حتی حضور نداشته باشد. مردم ما به شهادت تاریخ همواره ارادت خود را به حضرت نشان داده‌اند و همین که انقلاب از این شهر آغاز می‌شود و مبارزات علیه ظلم و استکبار در همجواری حضرت ریشه دارد، نشان‌گیر این است که ارتباط ایرانی‌ها با حضرت معصومه(س) قطع نخواهد شد. ❖



محمد غفاری

شاعر ایرانی

❖ وقتی که گره خورد ضریح تو به دستم آن‌عهد که در صحن تو بستم نشکستم هر صبح سلامی به تو و عرض ارادت همسایه دیوار به دیوار تو هستم...

شکی نیست که به برکت حضور بانوی کرامت، حضرت فاطمه معصومه(س)، چشمه‌های فقاht و حکمت در شهر قم جاری است و تشنگان معرفت و اهالی علم و فضیلت را سیراب می‌کند، اما شاید این حسن همجواری برای شاعران شهر قم لطف دیگری داشته باشد. شاعرانی که مضامین روحانی را از سفره کرامت بانو الهام می‌گیرند و کلمات قدسی را همچون ستاره‌ای از آسمان حرش می‌چینند و چه مبارک سحری است، آن لحظه‌ای که پرندۀ شعر در صحن آیین در خلوت شاعران به پرواز درمی‌آید و واژه‌ها برای زیارت بانو، در هیات شعر حاضر می‌شوند.

چه حس مشترک نگفتنی‌ای است برای شاعران قم، آنگاه که رو به ضریح می‌ایستند و اشعار تازه‌شان را برای حضرت می‌خوانند و پیشتر از آنی که هرکسی شعرشان را بشنود، از نگاه کریمانه بانو صحن‌ها را

حس مشترك نگفتنی

دریافت می‌کنند که عادت این سلسله نور، احسان است و کرامت. اگر این روزها شعر آیینی دوران بالندگی و اوج خود را طی می‌کند، تنها یکی از الطاف حضرت فاطمه معصومه (س) است که شاعران را در این مسیر راهبری و هدایت کرده است و به آنان - زن و مرد و پیر و جوان - این فرصت را داده است که در کنار شاعرانگی و تحلیل، توجه ویژه‌ای به اندیشه و معنا داشته باشند تا ضمن رشد و تعالی در صنایع و ظرایف ادبی، از نظر معرفتی نیز اشعاری در خور شان و شخصیت اهل بیت عصمت و طهارت بنویسند. امید آن‌که سایه لطف و توجه حضرت به شاعران آیینی مستدام باشد و این چشمه معنوی، همواره جوشان و خروشان ادامه حیات دهد.

و برای پایان چه حسن ختامی بهتر از آن‌که هر شاعری که در این شهر نفس کشیده باشد، آرزو می‌کند همچون هاتف اصفهانی، پروین اعصامی و دیگر شاعران، در حرم نورانی حضرت کریمه دفن شود و چون ذره‌ای در کنار خورشید آرام گیرد.

طواف آخرم دور ضریحش بود و بعد از آن

چه پایان خوشی، در این حرم دیدم وفاتم را ❖



به بهانه نکوداشت ۲۳ ربیع‌الاول

سالروز ورود حضرت فاطمه معصومه (س) به قم

برای بانوی مهربان‌تر از باران

❖ روزی، از میان امواج دریای غم و اندوه، گوهر امید و آرزو سر برآورد و مرا به تکاپو وارد کرد. گویی، بوی امید به مشام می‌رسید و دل را بشارت یک‌هوای لطیف و یک آسمان صاف می‌داد. با همه چیز و همه کس، راز و نیاز، نشاید و دل آرام نیابد. آن‌گاه که نور لایلی گنبد حرم، چشمان خسته‌ام را نوازش می‌داد، آهنگ‌های دردناك دل مُرد و افقی روشن از زیر ابرهای سیاه دلم بیرون آمد. می‌خواستم از غم زمانه برهم، گویی در وادی وصل حق گام برمی‌داشتم. مرا فرموده بودند که

برای ورود باید از در خلوص آمد و ریا را در پشت دیوارهای آن حرم رها نمود، بی‌ادب، قدم در آستان صحن مگذارم و بر سینه سبنا آرام قدم بردارم.

حرف بسیار داشتم، اما رخصت و اجازه گفتار نمی‌یافتم. گویی، بر سر هزاران اسرار دلم سر پوشانده بودم و خاموش خاموش بر اندیشه شکارگاه غریب دنیا بودم، که چگونه بر دام آن صیاد افتاده بودم.

آن روز، از دریای وحشتناك معاصی‌ام به ناخدای دل‌های غرق‌شده در معصیت، پناه آورده بودم و می‌خواستم از آن دریای توفانی به ساحلی برسم و برای رهایی، به دنبال جرعه آبی شفابخش آمده بودم.

فکر آن همه پستی و مستی، آزارم می‌داد. گویی، سرمه‌ایام جز ذلت و خواری نبود و سروشی جز غفلت و فراموشی نداشت‌م اما، می‌دانستم با کریان کارها دشوار نیست. ای مهربان‌تر از باران! یا فاطمه معصومه سلام...! علیها! اگر چون بلبلان از درد هجر خویش ننالم و زبان نکشایم چه سازم؟!

ای گوهر مدفون در قم! در قم بودن و به یاد شما نبودن، جیره‌خوار سفره‌گیرم و احسان شما بودن و بر خود نیایدن ستم است، در حریم شما بودن و در پوست خود گنجیدن هم ستم دیگر! بارها و سال‌ها به شادی کیوتران کهنه‌بنای آسمانی شما، حسرت خورده‌ام و آرزو داشتم‌ام که چون کیوتران بر دور قبه منور شما طواف نمایم.

ای شفیعه روز محشر! قسم به کیوتران حرم، به آنان که نظاره‌گر گفت‌وگوهای حزین من بوده‌اند، به آنان که حدیث دردناك و خاطر اندوهگین مرا شنیده‌اند، به هیچ التجا و پناهگاهی جز این بارگاه منور پناه نخواهم برد.

ای خواهر سلطان دین! بسیار عهد و توبه خود شکسته‌ام و روی سخن گفتن نداشته‌ام و من چون شمع با زبان آتشین، حکایت غفلت‌ها و خطاهایم را برای کیوتران حرم گفته‌ام، کیوترانی که سوز گریه‌های شبانه و تنهایی‌ام را نگاه کرده‌اند.

ای کریمه اهل بیت سلام...! علیها! دلم می‌خواهد جواب سلام‌هایم را بشنوم اما می‌دانم که محرم نیست‌م و این ضایعات عمر است که انسان جیره‌خوار کریمه‌ای باشد و جواب سلام از سیده خود نشنود.

یا فاطمه معصومه سلام...! علیها! دلم می‌خواهد آن هنگام که انار سرخ غروب جمعه، در حوصله روز می‌ترکد، روزیم باشد تا در ایوان مقدس حرم شما بغض من هم بترکد و آنجا در غربت و غریبی، منتقم خون پهلوی مادر غریب شما بگیریم.

یا اخت‌الرضا علیه‌السلام از همان زمان که بر فراز تربت مطهر شما سقفی از یوریا گسترده بود و برادر شما زیارت این حرم را معادل جنت خواند، دانستم که هیچ‌کس بدون عنایت شما به زیارت مشرف نمی‌گردد. پس سعادت و عنایت خویش از من بگیر و روزی زیارت با معرفت بر من قرار ده.

وای بانوی کرامت‌اکی تو اوم از نجات سر بالا گیرم، مگر ابر رحمت شما شست و شوی من گناهکار کند.

یا فاطمه المعصومه اشفعی لی فی الجنة فان لك عندا...! شئنا من الشئ... ❖



مهدی توکلیان

روزنامه‌نگار